

### گزارش

### قتل یکی از مدیران شهرداری به دست همسرش

یکی از مدیران شهرداری تهران که بهمن سال پیش فوت شده بود اکنون توسط پلیس آگاهی مشخص شده به دست همسرش به قتل رسیده است. ۱۲ بهمن ماه سال گذشته خبر فوت محمد امیرآبادی مدیرکل دفتر پایش برنامه، کنترل پروژه و ارزیابی عملکرد شهرداری تهران توسط رسانه‌ها و پایگاه خبری شهرداری تهران منتشر شد. امیرآبادی استادیار مهندسی حمل‌ونقل در دانشگاه علم و صنعت در آذرماه سال ۱۴۰۰ با حکم علیرضا زاکانی شهردار تهران به عنوان مدیرکل دفتر پایش برنامه، کنترل پروژه و ارزیابی عملکرد شهرداری تهران منصوب شده بود. اعضای بدن محمد امیرآبادی نیز پس از مرگش به بیماران نیازمند اهدا شد. اما حالا مشخص شده قتل مدیر شهرداری تهران به دست همسرش صورت گرفته است.

#### ماجرای قتل مدیر شهرداری چه بود؟

ماجرای از این قرار است که ۱۲ بهمن زن جوانی با پلیس تماس گرفته و از مرگ شوهرش در خانه خبر داده است. همسر این مرد به پلیس گفت: من به خانه پدرم رفته بود و شب خانه خودمان نبودم. قرار بود امروز صبح همسرم به دنبالم بیاید و بعد از خوردن صبحانه مرا به محل کارم برساند. اما وقتی خبری از او نشد، چندین بار با تلفن همراهش تماس گرفتم که جواب نداد با تلفن خانه تماس گرفتم باز هم پاسخ‌گو نبود. نگران شدم و به خانه آمدم اما به محض ورود متوجه بوی گاز شدیدی شدم. بعد هم در اتاق خواب جسد همسرم را دیدم. وقتی به دنبال علت بوی گاز بودم متوجه شدم شیلنگ اجاق گاز پاره شده است. در حالی که زن جوان چنین ادعایی داشت، به دستور بازپرس محسن اختیاری، کارآگاهان اداره دم پلیس آگاهی پایتخت برای بررسی بیشتر ماجرا وارد عمل شدند. اما بررسی شیلنگ گاز نشان داد علت پارگی پوسیدگی نبوده است بلکه حدود یک ماه قبل تعویض شده بود و با یک برش عرضی و عمدی پاره شده است. به این ترتیب فرضیه گازگرفتگی و حادثه رنگ باخت و تحقیقات روی موضوع قتل متمرکز شد. این بار کارآگاهان در تحقیق از همسر مرد جوان با ستانروی دیگری از جانب وی روبه‌رو شدند. زن جوان در ادعای جدیدی گفت: تصور می‌کنم همسر دست به خودکشی زده باشد. او این اواخر دچار افسردگی شده بود و صحبت از خودکشی می‌کرد. احتمالاً خودش با بردن شیلنگ اجاق گاز به زندگی‌اش پایان داده است.

#### دو مظنون برای قتل

در حالی که وی چنین ادعایی داشت، اما بررسی‌ها نشان می‌داد مرد جوان کاملاً سالم و در حالت طبیعی بوده و هیچ مشکل روحی و مالی نداشته است. اما در ادامه مشخص شد وی با همسرش اختلافات خانوادگی زیادی داشته است. اختلافی که می‌توانست انگیزه‌ای برای قتل باشد. به این ترتیب زن جوان به صورت تامحسوس زیر نظر گرفته شد و بررسی‌ها نشان می‌داد وی با یکی از همکاران شوهرش به نام کیوان در تماس بوده است. شب قبل از حادثه نیز با این مرد تماس گرفته و با هماهنگی او، خانه را ترک کرده است. نام کیوان نیز به عنوان دومین مظنون پرونده در لیست ماموران نوشته شد و تحقیقات نشان می‌داد که کیوان با مقتول بر سر مسائل کاری اختلاف شدیدی داشته است. کارآگاهان در شاخه دیگری از تحقیقات، به بازیابی دوربین‌های مدارسته اطراف خانه مقتول پرداختند. دوربین‌ها نشان می‌داد که ساعت یک بامداد کیوان با کلید وارد ساختمان محل زندگی مقتول شده و حدود ساعت ۵ صبح از ساختمان خارج شده‌است. این ورود و خروج در شبی رخ داده بود که به نظر می‌رسید آرش بر اثر گازگرفتگی جانش را از دست داده بود. به دستور بازپرس جنایی زن و مرد جوان بازداشت شدند. این بار زن جوان، کیوان را عامل قتل شوهرش معرفی کرد و گفت: کیوان در ظاهر با شوهرم دوست صمیمی بود، اما در باطن به شدت به او حسودی می‌کرد. چند روز قبل از جنایت، به صورت اتفاقی زمانی که قصد داشتم به محل کارم بروم، کیوان را کنار خیابان دیدم و او مرا به محل کارم رساند. نمی‌دانم چطور او کلید خانه را از کیفم برداشته بود که من متوجه نشدم. شب حادثه هم که به خانه مادرم رفتم، او از فرصت استفاده کرده و همسرم را به قتل رسانده بود. با توجه به مدارکی که در تحقیقات به دست آمده بود، از کیوان به عنوان عامل جنایت تحقیق شد. مرد جوان ابتدا منکر قتل شد اما در ادامه گفت: با مقتول اختلاف داشتم، همه او را دوست داشتند. با اینکه من و او همکار بودیم اما حقوق او بیشتر از من بود و همکارانم جور دیگری با او برخورد می‌کردند. همه اینها باعث شده بود به او حسودی کنم و دلم می‌خواست از او انتقام بگیرم. همه اینها باعث شده بود که من متوجه نشم. رابطه‌ام با همسرش صمیمی‌تر شد و رفت و آمدهایی که به خانه‌اش داشتم، رابطه‌ام با همسرش صمیمی‌تر شد و متوجه شدم که او نیز دل خوشی از شوهرش ندارد. حسادت من و اختلاف همسرش باعث شد که رابطه‌مان بیشتر شود. درنهایت تصمیم به قتل او گرفتم. در ادامه تحقیقات مرد جوان به قتل همکارش به خاطر حسادت اعتراف کرد. او در رابطه با جنایت گفت: کلید خانه را از همسرش گرفتم و شب قبل او به بهانه دیدن مادرش، خانه را ترک کرد. نیمه شب، در حالی که مقتول خواب بود وارد خانه شدم و به او دارویی بی‌هوشی با مقدار زیاد تزریق کردم. مدتی در خانه ماندم و وقتی مطمئن شدم که فوت کرده است، شیلنگ اجاق گاز را بردم تا به نظر گازگرفتگی بیاید و از خانه خارج شدم. روز بعد هم زن جوان با پلیس و اورژانس تماس گرفت و مدعی گازگرفتگی و مرگ شوهرش شد.

در حالی مرد جوان به قتل اعتراف کرد که متخصصان پزشکی قانونی نیز علت مرگ را مسمومیت با دارو اعلام کردند. به دستور بازپرس شعبه اول دادرسی امور جنایی پایتخت، متهمان به اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت منتقل شده‌اند.

### خبر

#### رئیس کل سازمان نظام پزشکی:

### بیش از ۵۰۰ سایت در حوزه زیبایی تبلیغ می‌کنند

محمد رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی درباره کمبود نیروی متخصص در دنیا و لزوم توجه سیاست‌گذاران به انگیزه ماندگاری پزشکان گفت: روند حرکات جهانی به سمت کمبود نیروی تخصص در اقق ۲۰۳۰ دنیا است؛ در کشور ما شاید چالش اساسی بیش‌روی ما نباشد اما زمانی که در کشور توسعه‌یافته کمبود نیرو اتفاق می‌افتد، این جریان از کشورهای درحال‌توسعه صورت می‌گیرد. تأمین نیروی تخصصی در بازه هفت‌ساله عملی نیست؛ سیاست‌گذاران باید نسبت به سیاست‌های تثبیت و تشویقی و انگیزه ماندگاری توجه کنند، وگرنه سیاست افزایش ظرفیت راه به جایی نخواهد برد و تبدیل به گشت فراسرزمینی برای کشورهای دیگر خواهد کرد.

به گفته او چالش درون پزشکی ما ضعیف‌شدن اخلاق حرفه‌ای و اخلاق پزشکی است که نگرانی بسیار جدی است که اخلاق حرفه‌ای در هیاهوی ناسامانی‌های اقتصادی و مدیریتی خودش را نشان می‌دهد. وظیفه ما و انجمن‌های علمی این است که نسبت به تقویت اخلاق حرفه‌ای تأکید کنند. ما در این زمینه سابقه تاریخی درخشان و استادان بزرگ و الگو داریم.

رئیس کل سازمان نظام پزشکی گفت: بیش از پنج هزار سایت در حوزه زیبایی تبلیغ می‌کنند. قوانین بازدارنده برای برخورد وجود ندارد. تعرفه دستوری مالیات ندارد. وقتی تعرفه‌ها را با فرسنگ‌ها فاصله از قیمت واقعی تعیین می‌کنند، یعنی مالیات را پیشاپیش گرفتند. بعد از آن همین تعرفه را وارد طرح پلکان و قاصدک می‌کنند و بعد مالیات اخذ می‌کنند و چند ماه بعد نیز پرداخت می‌کنند؛ این‌ن موضوع در هیچ صنف دیگری وجود ندارد و چالش اصلی حتما متوجه سلامت مردم خواهد بود.

دست پنهان یا نظریات تئوری توطئه از مفاهیم مهمی است که باید جامعه فرهنگی و آموزشی به آن نگاه ویژه داشته باشد، چراکه برخلاف تصور، خطرات این افکار پارانوئید در مراکز آموزشی بسیار نزدیک‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد.
چیزباز بشر با انواع توطئه و دسیسه روبه‌رو بوده و بسیار افرادی در قامت سیاست‌مدار، قدرت‌طلب و حتی حامی جامعه و صلاح انسان و انسانیت از طریق برنامه‌ریزی پیچیده، پنهانی و از طریق روش‌های غیرمسالمت‌آمیز به دنبال تحقق اهداف پنهانی خود بودند. درعین‌حال متدهایی نیز وجود دارد که خطرات آن مخرب‌تر از توطئه‌ها و دسیسه‌هاست و به «ذهنیت دست پنهان» یا «سبک پارانوئید» یا «تئوری توطئه» مشهور است.
هرچند مفهوم تئوری توطئه هنوز هم تاحدی دور از شفافیت است، ولی تفکیک مفهوم آن با توطئه می‌تواند راهگشای خوبی باشد. درحالی‌که توطئه مبتنی بر یک پلن پنهانی و همراه با عملی است که در منظر و واقعیت به‌وقوع می‌پیوندد و همیشه موضوع استفاده از ابزار در آن مطرح است؛ تئوری توطئه متکی بر متدهای ذهنی یا تبیینی و بر پایه ادراک نادرست، اطلاعات اندک یا حتی اوهام است. از همین جهت در تئوری توطئه سه رکن اصلی توطئه‌گران، مبانی توطئه و توطئه‌باوران نقش برجسته دارند.
از نمونه‌های ساده ارتباط‌دادن علت وواقیع به عوامل خارج اراده یا فراملی بشقاب‌پرنده تا برخی ادله ترور چسان اف کندی یاد کرد. البته عامه مردم در هر منطقه جغرافیایی با برخی از این تئوری‌های توطئه بیشتر مانوس هستند، بنابراین برخی ساکنان خاورمیانه نگرش‌های خاصی درباره یهودیان، انگلیسی‌ها، قدرت فراماسون‌ها و مانند آن دارند، تا جایی که امثال کار، کار انگلیسی‌ها است یا تفکرات دینی جان ناپلئونی در بین آنها رایج است.
به عبارتی ساده ارتباط‌دادن علت وواقیع به عوامل خارج اراده یا فراملی بدون ارانه اسناد متقن و قابل راستی‌آزمایی دروازه ورود به سرزمین جذاب و شکفت‌انگیز تئوری‌های توطئه است که تجربه نشان داده هیچ ذهنی از جاذبه این سرزمین عجایب در امان نیست.

تئوری توطئه همچون سربایی است که می‌تواند هر ذهنی به ویژه اذهان دارای زمینه مساعد را فریب دهد. حال اگر توطئه‌باوران از قشر معلمان و استادان دانشگاهی را به عبارتی از دسته افرادی باشند که در شکل‌گیری نگرش جامعه به‌ویژه نسل جوان مؤثر هستند، باید تبعات باورپذیری سبک پارانوئید یا تئوری دست پنهان به‌طور جدی مورد کنکاش و تحلیل قرار گیرد.
**دایی جان ناپلئون‌ها در دانشگاه**
دکتر مسعود میرزایی شهبازی رئیس پیشین پارک علم و فناوری خراسان رضوی با اشاره به فیلم قسم‌نخوردن فضانورد آمریکایی به انجیل بابت ادعای سفر به ماه اظهار می‌کند: مجری قسمش می‌دهد، می‌گوید دست بگذار روی انجیل، بگو رفتم ماه، آقا، قسم نمی‌خورد. هی مجری می‌گوید و در آخر هم قسم نخورد. بنده اعتقاد دارم اینها ماه نرفتند، چون اگر رفته بودند (این مأموریت‌ها) سه تا چهار بار دیگر اجرا می‌شد.
این استاد دانشگاه و عضو ادیتوریال برد ژورنال Polyhedron اضافه می‌کند: در واقع علم در چند دهه گذشته پیشرفت آن‌چنانی نداشته، از بنده بپرسید ما در حوزه کاتالیست‌ها، تازم من می‌روم منابع جدیدم را بخوانم که بتوانم سر کلاس خوب صحبت کنم. اعتراف می‌کنم در مقام مقایسه با نوآوری، علم پیشرفتی نداشته است.

از قضا کلیپ پرهیز نیل الدن آرمسترانگ فضانورد آمریکایی از سوکنند به کتاب مقدس به‌نحو مناسبی اهمیت و ابعاد چالش باور به تأثیرات دست پنهان در سطوح مختلف جامعه را به نمایش می‌گذارد.
در دنیای امروز نسک و تردید نسبت به اخبار و تحلیل وقایع ابزار بسیار مناسبی برای مصون‌ماندن از انحرافات و اتخاذ تصمیمات بی‌فایده یا حتی با تأثیر معکوس است. علم نیز این شک‌گرایی را تأکید و ترویج می‌کند، لیکن زمانی که شک‌گرایی براساس منطق، عقل و علم و برای یافتن دلیل و مدرک باشد.

در کلیپ مذکور که دکتر میرزایی رئیس دانشگاه فردوسی مشهد به آن اشاره می‌کند، یکی از ذوب‌شدگان در تئوری توطئه تلاش می‌کند آرمسترانگ را وارار به سوکنند خوردن بسه کتاب مقدس کند تا به تصور خود حقیقت پنهانی را آشکار کند.

# خطر دست پنهان در دانشگاه دردی که آن را درد نمی‌دانیم

#### عبدالصمد حسینی

#### روزنامه‌نگار

اما آیا دلایلی متقن برای سفر به ماه وجود ندارد که بتوان موهوم‌بودن این تئوری را با کنش عقلایی برملا کرد و چرا این تئوری همچنان قربانی می‌گیرد.

#### سفر به ماه تئوری توطئه یا کام بزرگی برای بشریت

ماجرای سفر به ماه در ۱۶ تیر سال ۱۳۴۸ در قالب سری مأموریت آپولو با نام آپولو ۱۱ از فلوریدای آمریکا با حضور سه فضانورد به نام‌های نیل آرمسترانگ، باز آلدرین و مایکل کالینز آغاز شد و سرانجام در ۲۹ تیر نیل آرمسترانگ و باز آلدرین توانستند بخشی از این مأموریت تاریخی بشر را روی ماه اجرا کنند و بعد از یک تجربه زندگی در فضا در حدود یک هفته، به زمین بازگردند.

این سفر تاریخی نه تنها در حوزه علم بسیار تأثیرگذار بود که در ساحت سیاست، اقتصاد و فرهنگ نیز موجب تحولات زیادی شد. با این حال در سال ۱۳۵۵ نخستین ادعاها درباره رد سفر به ماه و فرود انسان بر آن مطرح شد و این نظریات یا به کلی سفر به ماه را رد می‌کردند یا مدعی بودند فرود بر ماه رخ داده، اما نه به آن صورت که بازگو شده است.

رویه رایج این است که هر ادعایی باید با روش‌های درست علمی و با نتایج قابل آزمایش مطرح شود تا بتوان له یا علیه آن رأی داد و این از نخستین مفاهیم آموزشی برای یک فرد با تحصیلات عالیه در دانشگاه است. هرچند اگر قرار بود طبق نظر فوق واقعه سفر به ماه حلاجی شود، مدعیان ردیف اول اثبات نظریه دروغ‌بودن سفر به ماه را باید از میان سیاست‌مداران شوروی سابق در چبویه جنگ سرد جست‌وجو کرد که برای برنده‌شدن در مسابقه سفر به ماه و استفاده ابزاری از این اقتدار بیرونی برای سروش‌گذاریتن بر کاستی‌های درون جامعه خود از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. در واقع این شکست برای اتحاد جماهیر شوروی از شوکران نیز تلخ‌تر و گشندنه‌تر بود.

با این وجود این نظریه توسط شواهدی رد می‌شود که از جمله آنها سنگ‌های آورده‌شده از ماه، یا تصاویری است که در یک دهه گذشته توسط ماه‌نورد یا تلسکوپ‌ها از سطح ماه گرفته شده و نشان‌دهنده اثرات برخورد و فرود فضاییمای مأموریت آپولو بر ماه مطابق روایت ناسا در دهه ۱۹۶۰ است. از آن مهم‌تر وجود بازتاب‌دهنده‌هایی است که در مأموریت آپولو ۱۱ در ماه مستقر شد تا از طریق انتشار نور از زمین و بررسی بازگشت آن فاصله و حرکات مورد مطالعه قرار گیرد و امروزه حتی شیفتگان آماتور نجوم می‌توانند با کمک لیزر و دیگر ادوات لازم به صحت‌سنجی این موضوع بپردازند.

#### چرا ناسا دوباره به ماه سفر نکرد

البته ناسا تا مأموریت آپولو ۱۷ همچنان مسافرانی به ماه داشت تا جایی که مجموع این فضانوردان به ۲۴ نفر رسید. در میانه جنگ سرد بودجه ناسا در حدود پنج درصد بودجه فدرال بود و موفقیت در عرصه فضا به یک مطالبه سیاسی و اجتماعی تبدیل شده بود، اما به تدریج و بعد از مأموریت‌های دیگر آپولو از اهمیت این موضوع کاسته شد و بودجه ناسا نیز کاهش پیدا کرد تا حدی که این بودجه به نیم‌درصد بودجه فدرال رسید.

#### راز زنده‌ماندن تئوری توطئه افسانه سفر به ماه

با این اوصاف چگونه می‌شود که حتی سطوح عالی علمی ما تحت تأثیر نظریات دست پنهان قرار می‌گیرند و رویکرد مناسب تشکیلات آموزش عالی باید چگونه باشد.

جیمز اوربرگ از مشهورترین و مفسران اکتشاف فضای در جهان و «مشاور فضای» NBC News در مقاله درس‌هایی از افسانه «پرواز جعلی ماه» بیان می‌کند: از نظر من بحث فریب ماه یک حواس‌پرتهی آزاددهنده نبود، بلکه یک فرصت منحصربه‌فرد بود.

وی می‌افزاید: این درکی است که از این ماجرا دارم، هرچند بسیاری از افراد در معرض استدلال‌های دروغبن هستند و این ادعاها را معتبر می‌دانند، ولی نه باید شیباده‌ها و نه معتقدان آنها را مقصر دانست. در واقع تقصیر مربیان

# خطر دست پنهان در دانشگاه

و آموزش‌دهندگان (از جمله ناسا) است که مسئول ارائه دانش کافی و مهارت‌ها برای استدلال کارآمد هستند. بنابراین موفقیت محلی استدلال‌های جعلی (و تئورهای توطئه)، یک سازوکار تشخیصی مناسب برای شناسایی نقص منابع (آموزشی) در اختیار ما قرار می‌دهد.

اینجاست که باید آسیب‌پذیری در برابر تئوری‌های توطئه را به‌ویژه برای معلمان و استادان دانشگاهی جدی گرفت. هرگاه نگرش و باور زیر هر کاسه نیم‌کاسه‌ای است به عنوان باور ذهنی نسل جدید پذیرفته شود روند ترویج علم و اندیشه دچار خدشه خواهد شد.

درعین حال در جوامعی که لحظات بحرانی را تجربه می‌کنند، به ویژه زمانی که اضطراب و ناامنی به روندی مزمن و فرسایشی مبدل شده باشد، تمایل افراد برای قبول، ترویج و پروراندن تئوری‌های توطئه رشد پیدا می‌کند. درواقع این نوع تفکرات همچون مرهمی برای کاهش تألمات منتخ از ناامنی و عدم ثبات در جامعه به شمار می‌رود.

در این میان خوب است به فرایند «پیشگویی کام‌بخش» نیز اشاره شود که از نمونه‌های آن می‌توان به انتظارات توموی و اثرات آن در روابط کار و اقتصادی جامعه اشاره کرد. به عبارتی اثرات تئوری‌های توطئه و باور آنها ورای ذهن افراد بوده و به راحتی مابازای بیرونی و رفتاری خواهد داشت و منجر به صرف هزینه‌های گزاف اقتصادی و نوسانات معنادر در تولید و بهره‌وری در جامعه می‌شود.

با این اوصاف گسترش باور به نظریات دست پنهان در دانشگاه‌ها بسیار خطرناک است. به‌طور معمول رشد تحصیلات و دانش بهترین راه برای کاهش اثرات تئوری دست پنهان و شکستن دیوار وهم آن است، ولی وقتی محیط آموزشی آن هم در سطح عالی اسیر این نوع نگرش شود، ظهور چالش کاهش کنش‌های عقلایی و منطقی در برابر این ادعاها ناگزیر خواهد بود.

به همین نسبت اثرات این روند بر دانشجویان یا دانش‌آزموزانی که دچار ناتوانی شناختی، تمایل به کنش غیرمنطقی و التهابات عاطفی هستند بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود و بستری مهلک برای دوقطبی‌سازی است.

پژوهش‌ها نشان داده که تحصیلات نقشی کلیدی در کاهش باور تئوری توطئه و نگرش وهم‌انگیز دارند. افراد عادی بیشتر تحت تأثیر ادعاهای وهمی هستند تا افراد تحصیل‌کرده، درعین‌حال افراد متأهل و افراد با سن بالا نیز نسبت به افراد مجرد و جوان‌تر بیشتر به خرافات معتقدند. نکته جالب این است که زنان در جمعیت افراد عادی نسبت به مردان تمایل بیشتری به این نوع نگرش‌ها دارند؛ ولی میزان باورپذیری مردان و زنان تحصیل‌کرده درباره نگرش‌های موهوم و دست پنهان تفاوتی را نشان نمی‌دهد.

نتایج مطالعات نشان داده که در بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۳ اختلالات روانی در بین دانشجویان ایرانی روندی افزایشی داشته است. در واقع مشکلات دانشجویان و حضور در محیط جدید دانشگاه بر سلامت جسم و روان آنها تأثیر می‌گذارد و خودبه‌خود باعث عدم موفقیت برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلان بدون در نظر گرفتن این زمینه‌ها می‌شود. نتایج این پژوهش خود یک هشدار جدی به‌شمار می‌رود. درحالی‌که طبق رفرنس‌های پایه، گسترش اختلال روانی در یک جامعه معمولی از ۱۵ تا ۲۵ درصد است و در جمعیت دانشجویی احتمال ابتلا به اختلال با مقدار ۳۳ درصد ثبت شده است. طبیعی است که این روند اثری حاکر صعودی نیز نباشد، در روند کاهش یادگیری و کاهش کنش عقلی مؤثر است و جوانان با گاردی باز تحت تأثیر تئوری‌های دست پنهان قرار می‌گیرند.

فرض کنید آرمسترانگ درباره سفر به ماه به تمام جهان دروغ گفته است، آیا برای وی تفاوتی می‌کند که بر کتاب مقدس نیز سوکنند یاد کند. اگر این فضانورد و تیم چند هزار نفره مأموریت‌های سفر به ماه دلایلی برای این دروغ بزرگ داشته باشند، آیا این دلایل وی را برای این کار ترغیب نمی‌کند.

در حقیقت خارج‌شدن از راه تدبیر، گفت‌وگو و اقناع بزرگ‌ترین آفت یک جامعه و همچون جام شوکرانی برای نسل جوان است.

با این اوصاف به‌نظر می‌رسد توجه به کنش‌های عقلی و منطقی در نزد معلمان و استادان بر اساس متدهای علمی باید به طور جدی مد نظر قرار گیرد تا نسل جوان از صدمات پنهانی امروز و خسران آشکار تئوری‌های توطئه در فردا مصون بمانند.

